کلاهبرداری با پیامک «طرح حمایتی مسکن»

معاون اجتماعی پلیس فتا گفت: در روزهای اخیر، مطالبی در خصوص طرح‌های حمایتی مسکن در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده‌است که این اطلاعات نادرست برای جذب مخاطب و کلاهبرداری بازنشر می‌شوند.

سرگرد جواد مختاررضایی گفت: همزمان با اعلام طرح‌های حمایتی مسکن توسط وزارت راه و شهرسازی، شیادان اینترنتی با ارسال لینک‌هایی مبنی بر «دریافت زمین ۲ میلیاردی با هر کارت ملی» در پی جذب کلاهبرداری از شهروندان هستند. وی افزود: کلاهبرداران با ارسال لینک‌های آلوده به سرقت اطلاعات کاربران اقدام کرده و با دسترسی به این اطلاعات، برداشت غیرمجاز از حساب‌های بانکی را انجام می‌دهند.

معاون اجتماعی پلیس فتا به شهروندان هشدار داد که در مواجهه با اخبار منتشر شده در فضای مجازی، پیش از هر اقدامی، صحت اطلاعات را از مراجع معتبر استعلام کرده و از کلیک روی لینک‌های ناشناس و مشکوک خودداری کنند.

مرگ غم‌انگیز کودک خردسال در تصادف

پسربچه خردسال در تصادف با خودروی لیفان در شهرستان نظرآباد فوت شد.

فرمانده انتظامی شهرستان نظرآباد گفت: روز گذشته مأموران پلیس از حادثه رانندگی در شهرک سیدجمال‌الدین باخبر و در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد کودک دو ساله در تصادف با خودروی لیفان دچار حادثه شده و به دلیل شدت جراحت فوت شده است. بررسی‌های بیشتر نشان داد حادثه همزمان با ورود سواری لیفان به داخل کوچه اتفاق افتاده است که همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی، تحقیقات در این باره ادامه دارد.

کشف محموله شیشه پس از فرار سوداگران مرگ

فرمانده انتظامی سیستان و بلوچستان از کشف ۹۱ کیلو شیشه از داخل یک کامیون در شهرستان سراوان خبر داد.

سردار محمدرضا اسحاقی گفت: مأموران پلیس شهرستان سراوان در جریان بررسی‌های خود از فعالیت یک باند قاچاق مواد مخدر با خبر و متوجه شدند متهمان با کامیون در حال انتقال محموله شیشه هستند. وی ادامه داد: مأموران در بررسی‌های خود کامیون مورد نظر را شناسایی و زمانی که وارد عمل شدند متهمان با رها کردن کامیون فرار کردند. سردار اسحاقی گفت: مأموران در بازرسی کامیون ۹۱ کیلو شیشه کشف کردند و بررسی‌ها برای بازداشت متهمان جریان دارد.

بازداشت سارق طلاهای زن سالخورده

مجرمی که با دستبرد به خانه پیرزن در شهرستان برخوار اصفهان ۶۰۰ میلیون تومان طلای او را سرقت کرده بود، بازداشت شد.

سرهنگ نعمت خلیلی، فرمانده انتظامی شهرستان برخوار اصفهان گفت: چند روز قبل زنی سالخورده با مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ تماس گرفت و گزارش یک سرقت را اعلام کرد. وقتی مأموران در محل حاضر شدند، پیرزن که به شدت ترسیده‌بود، گفت: در خانه مشغول کار بودم که ناگهان مردی چاقو به دست وارد شد. او با تهدید از من خواست هر چه طلا در خانه دارم به او بدهم که من از ترس طلاهایم را که ۶۰۰ میلیون تومان ارزش داشت به او دادم که سرقت و فرار کرد. بعد از مطرح شدن شکایت مأموران پلیس با بررسی دوربین‌های مداربسته موفق شدند چهره سارق را شناسایی کنند. در شاخه دیگری از بررسی‌ها مأموران مخفیگاه وی را در یکی از شهرهای اطراف شناسایی و سه ساعت بعد متهم را بازداشت و طلاهای سرقت شده را هم کشف کردند. بررسی‌های بیشتر در این‌باره جریان دارد.

بازداشت شاعری که پس از اعتیاد موبایل‌قاپی می‌کرد

■ آرمین بینا

سارقان چاق و لاغر که به صورت سریالی اقدام به موبایل‌قاپی می‌کردند، بازداشت شدند. متهم چاق در بازجویی‌ها ادعا کرد ذوق شاعری دارد و از بزم شاعرانه به سرقت رسیده است.

چندی قبل مأموران پلیس پایتخت با چند شکایت روبه‌رو شدند که دو مرد موتورسوار به صورت سریالی در خیابان‌های شهر موبایل‌قاپی می‌کردند.

اولین شاکی که راننده خودروی تاکسی اینترنتی بود به مأموران گفت: «در یکی از خیابان‌های مرکزی شهر مسافرم را پیاده و سپس کنار خیابان توقف کردم تا مسافر جدیدی بگیرم. داخل خیابان به خودرویم تکیه داده بودم و گوشی‌ام در دستم بود و مسیرهایی که مسافران داده بودند را نگاه می‌کردم تا یکی را انتخاب کنم که موتورسیکلتی با دو سرنشین به من نزدیک شد و ناگهان گوشی‌ام را از دستم قاپید. ترک‌نشین که مرد درشت‌اندامی بود گوشی را از دستم گرفت و من هم با او درگیر شدم، اما با چاقو ضربه‌ای به دستم زد و گوشی را قاپید و دو نفری فرار کردند. آنها نقاب داشتند و روی دست سارق خشن هم خالکوبی بود، اما موفق به خواندن خالکوبی او نشدم.»

■ **سرقت آخر**

در حالی که هر روز به تعداد شاکیان افزوده می‌شد، بررسی‌ها نشان داد دو موبایل‌قاپ حرفه‌ای در کوچه و خیابان گوشی شهروندان، رانندگان و مسافران را سرقت می‌کنند و هیچ ردی از خود به‌جا نمی‌گذارند.

تحقیقات برای دستگیری سارقان ادامه داشت تا اینکه چند روز قبل مرد جوانی با اداره پلیس تماس گرفت و از سرقت گوشی همراهش از سوی دو مرد جوان موتورسوار خبر داد.

وقتی مأموران به محل حادثه رسیدند، شاکی گفت: «من استاد دانشگاه هستم و سمینارهای زیادی درباره مشاوره و روانشناسی خانواده در شهرهای مختلف برگزار می‌کنم. امروز همراه همسرم در تهران سمیناری درباره روابط اعضای خانواده برگزار کردیم و پس از پایان سمینار تاکسی اینترنتی به مقصد ترمینال غرب گرفتیم تا به شهرمان برگردیم. داخل خیابان منتظر تاکسی اینترنتی بودیم که دو مرد جوان موتورسوار به ما نزدیک شدند و ترک‌نشین آن که مرد درشت‌اندامی بود، گوشی‌ام را از دستم گرفت. بلافاصله مچ دستش را گرفتم و می‌خواستم گوشی‌ام را بگیرم که با دست دیگرش چاقویی به طرفم گرفت و من هم دستش را رها کردم. تنها نشانی که از او دارم شعر خالکوبی شده‌ای بود که روی دستش و در میان دو شمع نوشته شده بود: «هیچ شمعی تا به صبح نسوخته.» چاق و لاغر با یادگاری را روی دستم خالکوبی کرد و همین شعر هم در آخرین سرقت مرا گرفتار کرد.

چه شد که از شعر و شاعری به سرقت رسیدی؟

از بدبختی و به‌خاطر دوستی با یک زن از شاعری به سرقت رسیدم.

چرا؟

در بزم و محافل شعر و شاعری شرکت می‌کردم و می‌خواستم برای خودم شاعر معروفی شوم، اما خبر نداشتم که دوستی با یک زن زندگی‌ام را به تباهی می‌کشاند. البته خودم مقصرم، چون به‌خاطر پولدار شدن وسوسه شدم موادفروشی کنم. چند سال قبل در یکی از بزم‌های شاعرانه با زنی به نام فرزانه آشنا شدم. او چاق بود و دوست داشت لاغر شود، اما از عمل جراحی می‌ترسید. یکی از دوستانش به او پیشنهاد داده بود موادمخدر شیشه مصرف کند تا خیلی زود لاغر شود. وقتی با من مشورت کرد قبول کردم برایش موادمخدر شیشه تهیه کنم. مدتی از مردی قاچاق‌فروش مواد می‌خریدم و کم‌کم فرزانه معتاد به موادمخدر شد و هزینه اعتیادش بالا رفت. مرد قاچاق‌فروش پیشنهاد داد خودم مواد بفروشم تا خیلی زود پولدار شوم که من هم قبول کردم. از آن روز به بعد وارد جرگه خلافکاران و مدتی بعد هم دستگیر شدم.

چرا موبایل‌قاپی می‌کردی؟

وقتی به زندان افتادم در زندان با خلافکاران زیادی آشنا شدم و بعد از آزادی دوباره با فرزانه شروع به قاچاق‌فروشی کردم. او مواد را داخل شمع جاسازی می‌کرد و من هم کنار خیابان بساط می‌کردم و به مشتریانم شمع‌های موددار می‌فروختم تا اینکه فرزانه با موادمخدر زیادی دستگیر شد و من هم به دام افتادم. فرزانه حبس ابد خورد، اما من آزاد شدم و بعد از آن شروع کردم به سرقت موبایل که دوباره دستگیر شدم و به زندان افتادم، ولی کم‌کم حرفه‌ای شدم.

با همدست ریزاندامت چطور آشنا شدی؟

زمانی که بساط داشتم او هم در کنار من بساط می‌کرد. او خودش چند باری از سوی سارقان خفت شده بود. همدستم می‌گفت پنج بار سارقان او را خفت کرده‌اند و من به او پیشنهاد دادم همراه هم موبایل‌قاپی کنیم. به او گفتم من حرفه‌ای هستم و یک روز کار موبایل‌قاپی برابر با یک ماه دستفروشی است. وقتی صحبت‌های مرا شنید وسوسه شد و قبول کرد و پس از آن دو نفری به موبایل‌قاپی می‌رفتیم. البته گاهی او راننده بود و گاهی هم من رانندگی می‌کردم.

حرف آخر؟

پشیمان هستم. خلاف آخر و عاقبت ندارد.

اطلاعاتی که شاکی در اختیار مأموران قرار داد، تحقیقات برای شناسایی سارقان حرفه‌ای وارد مرحله تازه‌ای شد. مأموران در بررسی دوربین‌های مداربسته متوجه شدند دو موبایل‌قاپ همان سارقان چاق و لاغری هستند که از مدتی قبل در خیابان‌های شهر اقدام به موبایل‌قاپی می‌کنند، اما با نقابی که به صورت دارند هیچ ردی از خود به‌جا نمی‌گذارند. مأموران در ادامه احتمال دادند متهم چاق، سارق سابقه‌داری باشد که به صورت حرفه‌ای موبایل‌قاپی می‌کند، به همین دلیل به سراغ آلبوم مجرمان سابقه‌دار رفتند و در بررسی عکس مجرمان به سارق درشت‌اندامی به نام شهباز رسیدند که روی دستش همان شعری را که مشاور و همسرش به مأموران گفته بودند، خالکوبی کرده بودند.

■ **بازداشت**

بررسی‌های مأموران نشان داد شهباز علاوه بر سرقت، خرید و فروش موادمخدر هم در پرونده‌اش ثبت شده است. در پرونده متهم نوشته شده بود، وی تحصیلکرده دانشگاه است، اما چند سال قبل به خاطر اعتیاد به موادمخدر وارد جرگه خلافکاران و چند باری هم از سوی مأموران دستگیر می‌شود. بنابراین شهباز تحت تعقیب مأموران قرار گرفت و چند روز قبل در مخفیگاهش همراه همدستش بازداشت شدند.

دو متهم پس از انتقال به اداره پلیس به سرقت‌های سریالی اعتراف کردند. تحقیقات از متهمان به دستور بازپرس دادسرای سرقت ادامه دارد و مأموران در تلاشند شاکیان احتمالی دو متهم را شناسایی کنند.

مرد گمشده در زندان عراق پیدا شد

■ غلامرضا مسکنی

تحقیقات پلیس درباره سرنوشت مردی که خانواده‌اش گم شدن او را گزارش داده بودند، نشان داد وی به اتهام حمل مخدر متادون در یکی از زندان‌های عراق بازداشت است.

اوایل تیرماه امسال مرد میانسالی در تهران به اداره پلیس رفت و از ناپدید شدن ناگهانی پسر جوانش به نام بهرام شکایت کرد.

وی در توضیح ماجرا گفت: «پسرم تأسیسات‌کار است و چند سالی می‌شود که در این رشته به صورت حرفه‌ای فعالیت دارد. او پروژه‌های زیادی را در تهران و شهرهای اطراف می‌گرفت و آخرین پروژه‌ای که در آن شروع به کار کرد در کشور عراق بود، به همین خاطر به عراق رفت و آمد می‌کرد و مدتی قبل هم برای ادامه کار به عراق رفت. مدتی به صورت تلفنی با او در ارتباط بودیم تا اینکه به من و مادرش پیام داد به زودی به ایران برمی‌گردد. ما منتظرش بودیم، اما خبری از او نشد و حتی گوشی تلفن همراهش هم خاموش شد. پس از آن خیلی تلاش کردیم خبری از بهرام پیدا کنیم، اما تلاش ما نتیجه‌ای نداد و الان من و همسرم نگرانیم که برای پسرمان اتفاق بدی رخ داده باشد.»

■ **متادون**

با شکایت مرد میانسال، پرونده به دستور قاضی صادق‌زاده، بازپرس شعبه هفتم دادسرای امور جنایی تهران برای پیدا کردن ردی از پسر گمشده در اختیار تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت. بررسی مأموران نشان داد بهرام مدتی قبل از حادثه از طریق مرزهای زمینی وارد عراق می‌شود و به محل کارش در بصره می‌رود. مدتی بعد وی به قصد برگشت به ایران محل کارش را ترک می‌کند، اما هرگز به مرز نمی‌رسد و به‌طرز مشکوکی ناپدید می‌شود.

در حالی که تحقیقات برای پیدا کردن پسر گمشده ادامه داشت به مأموران پلیس خبر رسید یکی از دوستان بهرام از عراق به ایران آمده و به خانواده بهرام گفته که پسرشان از سوی مأموران پلیس عراق بازداشت شده و در زندان است.

دوست بهرام به مأموران گفت: «من و بهرام با هم در یک پروژه در کشور عراق کار می‌کردیم. مدتی قبل بهرام حین کار از ناحیه پا دچار آسیب شدید شد. بهرام چند روزی در بیمارستان بستری شد و تحت درمان قرار گرفت، اما وقتی از بیمارستان مرخص شد، به‌خاطر درد شدیدی که داشت قرص متادون مصرف می‌کرد.

به دلیل همین آسیب‌دیدگی‌اش تصمیم گرفت برای مدتی به ایران برگردد و پس از بهبودی کامل دوباره برای کار به عراق بازگردد. در مسیر برگشت پلیس عراق از او ۱۸۰ قرص متادون کشف و بهرام را بازداشت کردند. من فکر می‌کردم پلیس عراق موضوع را به خانواده بهرام خبر می‌دهد و پس از این حادثه هم محل کارم را به پروژه دیگری تغییر دادم تا اینکه چند روز قبل فهمیدم دادگاه عراق بهرام را به شش ماه زندان و ۲/۵ میلیارد تومان جریمه محکوم کرده است. از سوی دیگر متوجه شدم خانواده بهرام در جریان دستگیری پسرشان نیستند که تصمیم گرفتم به ایران برگردم و موضوع بهرام را به خانواده‌اش خبر بدهم تا آنها از نگرانی رها شوند.»

با اطلاعاتی که دوست بهرام در اختیار مأموران قرار داد، بازپرس پرونده به کارآگاهان دستور داد همزمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه چنانچه امکان انتقال متهم برای گذراندن دوران محکومیتش در ایران وجود دارد با پلیس و مقامات قضایی عراق مکاتبه کنند.

پرونده کوری چشم برای سومین بار ورق می‌خورد

■ جلال ستوده

مردی که متهم است ضربه مشت او در جریان یک درگیری منجر به کوری چشم یک نفر شده برای سومین بار محاکمه می‌شود.

هشت سال قبل بود که مأموران پلیس شهرستان ورامین از درگیری در یکی از کارگاه‌های اطراف با خبر و در محل حاضر شدند. محل حادثه یک کارگاه چوب‌بری بود که چند نفر از کارگران باهم درگیر شده‌بودند. بررسی‌های پلیس نشان داد که یکی از شرکت‌کنندگان در نزاع با اصابت ضربه مشتی که به چشمش برخورد کرده به شدت مصدوم و به بیمارستان منتقل شده‌است. در حالی که بررسی‌ها جریان داشت از بیمارستان خبر رسید که ضربه وارد شده منجر به کوری چشم نیما شده‌است. در شاخه دیگری از تحقیقات نیما علیه عاملان حادثه که دو برادر به نام‌های بهادر و رامین بودند، شکایت کرد. نیما گفت: من از مدتی قبل با دو برادر اختلاف مالی داشتم. بارها با آنها تماس گرفتم و خواستم که بدهی‌شان را تسویه کنند، اما به حرفم توجه نمی‌کردند، همین موضوع سبب اختلاف ما شده‌بود. شاکی در شرح حادثه هم گفت: آن روز به کارگاهشان رفتم تا اختلاف حساب‌مان را حل کنیم که مشاجره‌مان شد. وقتی مشاجره بالا گرفت، آنها با من درگیر شدند و همکارانشان هم وارد درگیری شدند. در این میان بهادر با مشت ضربه محکمی به چشم چپم وارد کرد که همه چیز تاریک شد و دیگر چیزی ندیدم. بعد هم به بیمارستان منتقل شدم و پزشکان بعد از معاینه گفتند که بینایی‌ام را از دست داده‌ام که سرانجام چشمم تخلیه شد.

بعد از مطرح شدن شکایت، تحقیقات در این‌باره ادامه پیدا کرد و مأموران دو برادر را بازداشت کردند. بهادر گفت: روز حادثه ما در کارگاه مشغول کار بودیم که نیما همراه دوستانش وارد و با ما درگیر شد. نیما به سمت برادرم حمله کرد و او را گرفته بود و رها نمی‌کرد که من برای جدا کردن او وارد شدم، اما هر چه تلاش کردم دیدم که دست‌بردار نیست، برای همین با مشت ضربه‌ای به او زدم که روی زمین افتاد. متهم گفت: من نمی‌خواستم به او آسیب برسانم و حادثه ناخواسته اتفاق افتاد. مأموران پلیس همچنین از برادر متهم و چند نفر از شرکت‌کنندگان در نزاع تحقیق کردند. با کامل‌شدن بررسی‌ها پرونده با صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری یک استان تهران ارجاع شد و متهم در شعبه هشتم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستاد. در جریان اولین جلسه رسیدگی به پرونده و بعد از اینکه نماینده داستان متهم را گناهکار شناخت، شاکی در جایگاه حاضر شد و بار دیگر حادثه را شرح داد. او در پایان گفت که در این حادثه چشمش را از دست داده و زندگی برایش خیلی سخت شده‌است برای همین برای متهم درخواست قصاص چشم کرد. در ادامه متهم به درخواست قاضی در جایگاه حاضر شد و جرمش را انکار کرد. او گفت من به قصد کور کردن شاکی را نداشتم و حادثه هم ناخواسته اتفاق افتاده‌است.

در ادامه وکیل متهم در جایگاه قرار گرفت و گفت: گزارش پزشکی قانونی نشان می‌دهد چشم شاکی که در جریان حادثه بینایی‌اش را از دست داده، از قبل هم بینایی کامل نداشته‌است. شاکی هم در جریان تحقیقات این موضوع را تأیید کرده‌است، از همین‌رو امکان قصاص به وجود ندارد. موضوع دیگر اینکه در صورت قصاص چشم امکان سرایت جراحت به دیگر قسمت‌ها وجود دارد برای همین این موضوع امکان اجرا شدن ندارد.

هیئت قضایی بعد از ختم جلسه، وارد شور شد و متهم به قصاص چشم محکوم شد. رأی صادر شده اما با اعتراض متهم در دیوان عالی کشور بررسی شد. اعتراض متهم از سوی قضات دیوان عالی کشور پذیرفته و رأی صادر شده نقض و پرونده برای رسیدگی به شعبه هم‌عرض ارجاع شد.

بعد از آن بود که متهم بار دیگر پای میز محاکمه ایستاد. در جلسه رسیدگی به پرونده شاکی بار دیگر در جایگاه حاضر شد و ماجرا را شرح داد و پس از آن اعلام کرد که خواسته‌اش قصاص چشم است.

وقتی نوبت به متهم رسید، او بار دیگر گفت که قصد کور کردن شاکی را نداشته و حادثه ناخواسته رقم خورده‌است. قضات دادگاه اما بعد از ختم جلسه این بار هم متهم را به قصاص محکوم کردند. رأی دادگاه بار دیگر با اعتراض متهم در دیوان عالی کشور بررسی شد. قضات دیوان اما این‌بار رأی را تأیید کردند، بنابراین رأی صادر شده برای اجرا به شعبه اجرای احکام دادسرای امور جنایی تهران ارجاع شد. در شاخه دیگری از بررسی‌ها وکیل متهم با مطرح کردن اعاده دادرسی درخواست کرد امکان قصاص چشم در کمیسیون پزشکی قانونی بررسی شود، بنابراین با تشکیل کمیسیون پنج نفره پزشکی قانونی اعلام شد که چشم شاکی از قبل دچار مشکل بوده‌است برای همین در اجرای حکم قصاص چشم، تساوی رعایت نمی‌شود. بعد از اعلام نظر بود که درخواست اعاده دادرسی پذیرفته و اجرای حکم قصاص متوقف شد، بنابراین متهم برای سومین‌بار پای میز محاکمه حاضر می‌شود.

یادداشت

ملاحظات انتشار خبرهای خودکشی

حسین فصیحی
دبیر گروه حوادث

انتشار خبرها و عکس‌های خودکشی باید با ملاحظات زیادی صورت گیرد، عمده‌ترین دلیل آن هم صیانت از روان افراد بیمار در معرض خطر است که امکان دارد با دنبال کردن جزئیات حادثه دست به این رفتار پرخطر بزنند. با این حال هستند رسانه‌ها یا افرادی که بدون در نظر گرفتن ملاحظات اجتماعی و پیامدهای ناگواری که این مسئله به دنبال دارد، پروایی از انتشار خبر و عکس‌های خودکشی ندارند. خودکشی، عمده گروه‌های سنی را شامل می‌شود، به‌طوری که براساس آمار انجمن مددکاری اجتماعی در سال ۱۴۰۰، بیش از ۴۰ درصد آمار مربوط به گروه‌های سنی ۳۰ تا ۴۹ سال، ۳۲ درصد ۱۸ تا ۲۹ سال و کمتر از ۱۰ درصد هم جمعیت زیر ۱۸ سال بوده است. جمعیت بالای ۶۰ سال هم ۸/۶ درصد از مرتکبان را شامل شده است. در بین این افراد ۸ درصد افراد دارای تحصیلات لیسانس و بالاتر، ۲۳ درصد دیپلم، حدود ۱۱ درصد دبیرستان و تحصیلات راهنمایی حدود ۲۶ درصد، تحصیلات ابتدایی ۱۸ درصد و بی‌سواد کمتر از ۱۰ سهم داشته‌اند. گزارش‌ها در این‌باره نشان می‌دهد کشور ما بین ۱۸۰ کشور جهان در جایگاه ۱۳۰ قرار دارد که این رتبه‌بندی به ازای هر یکصد هزار نفر ۵/۲ نفر بوده که این شاخص در حال حاضر ۷/۴ نفر به ازای ۱۰۰ هزار نفر رسیده است. بررسی خبرهایی که ما با در نظر گرفتن ملاحظات بسیاری گاه از انتشار آن پرهیز می‌کنیم هم نشان می‌دهد عمده افراد با حلق‌آویز کردن، خوردن قرص، سقوط از بلندی یا شلیک گلوله به زندگی خود پایان می‌دهند. دنبال کردن جزئیات خبرهای خودکشی افراد مشهور از جمله هنرمندان و ورزشکاران هم می‌تواند منجر به افزایش آمار خودکشی شود. با این حال ساختار قانونی کشور تلاش می‌کند جزئیات حادثه‌ای که منجر به خودکشی این افراد می‌شود به رسانه‌ها راه پیدا نکند. کیومرث پوراحمد، فیلمساز مشهور از جمله هنرمندانی بود که فروردین‌ماه سال گذشته خبر خودکشی او به همراه عکسی از حادثه منتشر شد. با این حال دادستان تلاش کرد به دلیل آسیب‌هایی که می‌تواند به همراه داشته باشد، انگیزه‌ای که منجر به بروز این رفتار پرخطر شد سربه‌مهر بماند. اینکه فردی مشهور دست به این رفتار پرخطر بزند، ممکن است انگیزه‌ای شود که افراد در معرض خطر نیز این عمل را توجیه کنند و بخواهند به زندگی خود پایان دهند. به عنوان مثال پس از اعلام خبر خودکشی رابین ویلیامز، بازیگر سرشناس هالیوود که سال ۲۰۱۴ اتفاق افتاد، مشخص شد در پنج ماه بعد از حادثه، میزان خودکشی ۱۰ درصد بیشتر از پیش‌بینی‌های احتمالی بود. بدون تردید تحلیل رسانه‌ای وضعیت خودکشی بدون در نظر گرفتن شرایط اقتصادی، اجتماعی، سلامت روانی و سیاسی نمی‌تواند تحلیل درستی باشد، چراکه بیمارانی که اینگونه به خودشان آسیب می‌رسانند، این کار را در اثر فشارهای روانی و اجتماعی انجام می‌دهند.

کارشناسان اورژانس جان دختر ۱۵ ساله را نجات دادند

رئیس اورژانس پیش‌بیمارستانی استان بوشهر گفت: کارشناسان عملیات اورژانس ۱۱۵ بوشهر با اقدام به موقع جان دختر ۱۵ ساله را نجات دادند.

«سید حسین موسوی» روز گذشته به خبرنگاران گفت: طی تماس با اورژانس درباره ایست قلبی تنفسی دختر ۱۵ ساله، توصیه‌های لازم توسط کارشناس مرکز ارتباطات ۱۱۵ آغاز کردند و تیم عملیاتی حرفه‌ای اورژانس بلافاصله به محل حادثه اعزام شد.

وی افزود: پس از ارزیابی صحنه توسط همکاران عملیاتی اورژانس در محل حادثه مشخص شد که یک خانم ۱۵ ساله به دنبال اضطراب دچار ایست قلبی - تنفسی شده که بلافاصله عملیات احیای پیشرفته (شامل ماساژ قلبی، دارودرمانی، شوک الکتریکی و برقراری راه هوایی) آغاز شد و تا بیمارستان ادامه داشت که این اقدام منجر به احیا و نجات جان بیمار از مرگ شد.

انهدام باند سارقان مسلح خودروهای سنگین

رئیس پلیس آگاهی استان مرکزی از دستگیری اعضای باند سارقان مسلح خودروهای سنگین خبر داد.

سرهنگ کارآگاه کامیار چهری گفت: همزمان با مطرح شدن شکایت‌هایی درباره سرقت مسلحانه یک دستگاه کامیون باری و یک دستگاه تراکتور در محور اراک - قم کارآگاهان پلیس وارد عمل شدند.

وی ادامه داد: مأموران پلیس در جریان بررسی‌های خود موفق شدند دو نفر از اعضای باند سرقت مسلحانه را شناسایی و آنها را بازداشت کنند. سرهنگ چهری همچنین گفت مأموران در بازرسی از مخفیگاه متهمان کامیون و تراکتور سرقت شده و یک قبضه کلت کمری کشف کردند. بررسی‌ها برای کشف جرائم بیشتر متهمان جریان دارد.

قتل زوج جوان در شهرستان بندرگز

تحقیقات پلیس شهرستان بندرگز استان گلستان برای شناسایی و بازداشت عاملان قتل زوج جوان جریان دارد.

سرهنگ مهدی مهدوی‌نیا، فرمانده انتظامی شهرستان بندرگز گفت: شامگاه شنبه مأموران پلیس از کشف جسد زن و مردی در زمین‌های کشاورزی باخبر و در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد اجساد متعلق به زوج جوانی است که به‌طرز مشکوکی با شلیک گلوله هدف قرار گرفته و جانشان را از دست داده‌اند که اجساد به پزشکی قانونی منتقل شد. تحقیقات برای شناسایی و بازداشت عامل یا عاملان حادثه جریان دارد.

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ این نامه اجرایی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر آراء صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض شرکت توسکا دام جرجان به شماره شناسه ملی ۱۴۰۰۸۹۲۹۳۷۵ متقاضی کلاسه پرونده ۱۴۰۲۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۰۶۹۳ درششدانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است (به استناد پاسخ اداره جهاد کشاورزی موافقت اعلامی در رابطه با طرح پرورش گاو شیری می باشد) به مساحت ۲۲۰۰ مترمربع از پلاک شماره ۲۲۵ اصلی واقع در اراضی توسکستان بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود ،از این رواشخاصی که نسبت به رای صادره فوق الذکر اعتراض داشته باشند ، می توانند از تاریخ انتشار اولین اگهی به مدت دوماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره ارایه نمایند.

شناسه آگهی: ۱۷۸۰۶۸۱
تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۳/۶/۱۹
تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۳/۷/۴

حجت اله تجری
رییس اداره ثبت اسناد واملاک منطقه دو گرگان